

نقدی بر ائتلافهای سیاسی در افغانستان

نویسنده: پوهیالی زلمی مالیار

چکیده

شرایط و خصوصیات متفاوت نظامهای سیاسی، موجب ایجاد تمایز در نوع و ماهیت رقابتها و کشمکشهای اجتماعی میشود. ساموئل هانتینگتون با در نظر گرفتن دو عامل نهادمندی و مشارکت به دو نظام سیاسی مدنی و پراتورین اشاره میکند، که به لحاظ رقابت سیاسی، واجد خصوصیات متفاوتی هستند.^۴ ائتلافها و کنار آمدنهای سیاسی در آستانه انتخابات یک امر معمول و رایج در هر دو نوع نظام سیاسی که هانتینگتون و دیگر نظریه پردازان عرصه علوم سیاسی مطرح نموده اند، است. ائتلاف سیاسی نامزدان انتخابات را در رسیدن به قدرت قوی میسازد؛ اما در افغانستان این چنین ائتلافها و زد و بندهای سیاسی به منفعت رهبران احزاب و گروههاست تا خود گروه و حزب. البته این امر دلایل متنوع ساختاری، سنتی و نوین دارد. نکته

بارز در ائتلافهای کنونی موقت و غیر ساختاری بودن این گردهم آییهاست. بناءً با توجه به ویژه - گیهای علمی ائتلاف سیاسی، نمیتوان به یکجا شدن و اتحاد رهبران گروه های سیاسی، ائتلاف سیاسی نامید؛ بلکه بیشتر جنبه گرد همآیی موقت و منفعت فردی برای کسب قدرت دارد.

کلمه های کلیدی: ائتلاف، اتحاد، منفعت

مقدمه

ائتلاف سیاسی، از جمله مفاهیم و واژه های سیاسی است که هر روز در خبرهای سیاسی و بین المللی رسانه ها یا در سخنان سیاستمداران و فعالان سیاسی تکرار میشود. عرصه سیاست داخلی کشورها ائتلاف احزاب و جناحهای سیاسی یک امر مرسوم است. این مسأله به ویژه در نظامهای سیاسی پارلمانی که دولت از درون پارلمان بیرون میآید از اهمیت ویژه یی برخوردار است. از آن جا که در نظام سیاسی پارلمانی حزبی که اکثریت کرسیهای مجلس را به دست گیرد خود به خود دولت را تشکیل میدهد، احزابی که از آن جایگاه سیاسی برای کسب اکثریت برخوردار نیستند برای به دست گرفتن قدرت اجرایی با سایر احزابی که از نظر ایدئولوژی نزدیکی بیشتری با آنها دارند ائتلاف میکنند. البته این ائتلاف ممکن است قبل از برگزاری انتخابات و در دوران مبارزات انتخاباتی شکل بگیرد یا این که بعد از برگزاری انتخابات و مشخص شدن تعداد کرسیهای احزاب صورت پذیرد. مصادیق ائتلاف در عرصه سیاست داخلی کشورها را می توان در انتخابات گوناگون پارلمانی یا ریاست جمهوری مشاهده کرد. در بسیاری از این انتخابات معمولاً دو یا چند حزب که در یک جناح فکری قرار دارند برای کسب قدرت و پیروزی بر رقبا دست به ائتلاف میزنند؛ به عنوان نمونه در آخرین انتخابات پارلمانی هند که سه سال قبل برگزار شد دو حزب بزرگ «کنگره» و «بی جی پی» قبل از برگزاری انتخابات با تعداد دیگری از احزاب دست به ائتلاف زدند. وقتی در پایان

شمارش آراء ائتلاف کنگره اکثریت را به دست آورد؛ اما از تعداد کرسیهای لازم برای تشکیل دولت برخوردار نشد بار دیگر این حزب ائتلاف با احزاب دیگر از جمله حزب کمونیست کرد تا بتواند با همکاری آن حزب، اکثریت کرسیهای پارلمان هند را در اختیار خود قرار و دولت را تشکیل دهد (۱۳)، اختلافها و گسستها به عنوان پدیده های اجتناب ناپذیر دارای کارکردهای ویژه یی از جمله تأثیر مستقیم بر هویت یابی گروه بندیهای سیاسی هستند؛ از این رو، کثرت این ائتلافها و گسستها، خصوصاً در یک نظام سیاسی همانند افغانستان که محصول چند دوره حکومتهای دارای ریشه های عظیم و متنوع سیاسی و ایدیولوژیکی سیاسی - اجتماعی بوده اند، غیر عادی تلقی نمیشود.

مفهوم ائتلاف سیاسی

ائتلاف سیاسی، شیوه مروج همگرایی نهادهای سیاسی برای رسیدن به یک هدف مشترک است (۱۲) که تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته است. تعدادی آن را مترادف اتحاد، اجماع و وفاق سیاسی دانسته اند و تعداد دیگری آن را در قالب مفهوم خاص جدا از اتحاد و وفاق سیاسی می‌شمرند. همچنان ائتلاف سیاسی نزد بسیاری از نظریه پردازان علوم سیاسی صرف در قالب احزاب و هنگام انتخابات معنا پیدا میکند؛ اما تعداد دیگری آن را جدا از احزاب در درون یک کشور بلکه فراتر از آن در سطح تشکیل دولت خصوصاً دولتهایی با گرایشهای پارلمانی و در سطح بین المللی و منطقه یی بین دولتها تعریف میکنند.^(۱) در این بخش به چند تعریف مختلفی که از ائتلاف سیاسی صو شده است، میپردازیم.

در لغت نامه دهخدا در جلد سوم صفحه ۳۱۶۵ معنای لغوی واژه «ائتلاف» (alliance) «مجتمع گردیدن، با همدیگر الفت گرفتن و پیوسته شدن» قید گردیده است؛ ائتلاف به معنای سازگاری نمودن، آمیخته گردیدن و آمیخته شدن نیز آمده است. از نظر اصطلاحی در عرصه سیاست نیز ائتلاف توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یک دیگر به منظور پیشبرد

منافع متقابل است. ائتلاف سیاسی، به معنای همگرایی در دورنمای سیاسی چندین نهاد، تفسیر می‌گردد. ائتلاف سیاسی به جمع شدن تعدادی از گروه‌های سیاسی دور یک یا چند هدف مشترک با برنامه‌ها و عملکردهای هماهنگ گفته می‌شود.^(۱۲) واژه ائتلاف در انگلیسی coalition به معنای اتحاد موقت گروه‌ها و نیروهای سیاسی است که هدفهای معینی را دنبال میکنند. در امور سیاسی هم به همین معناست با این تفاوت که ائتلاف سیاسی قاعداً دراز مدت نمیباشد؛ بلکه کوتاه مدت است.^(۳)

ایمان حسین قزل‌ایاق در کتاب «ائتلافهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» برداشت متفاوتی از ائتلاف دارد. وی معتقد است که ائتلاف در جایگاه‌های مختلف معانی مختلفی دارد؛ به طور مثال در معنای سیاسی، ائتلاف سیاسی در واقع گروهی حزبی یا پارلمانی است که عمر آن کوتاه‌تر از حزب می‌باشد.^(۱۳) ائتلافها بر حسب طول عمری که دارند به موقتی، پایدار و دایمی تقسیم میشوند که در دوران انقلابی کمتر امکان بروز دارند و در بحرانهای اجتماعی تحلیل آن به سختی امکان پذیر میباشد؛ به سخن روشن، احزاب یا گروهها یا دستجات سیاسی که در یک کشور زمینه‌های مشترک ایدئولوژیکی نه چندان دور از یک دیگر دارند (مانند احزاب با گرایشهای دست چپی و یا گرایشهای دست راستی) برای به دست آوردن قدرت اداری - سیاسی جامعه به خصوص هنگام انتخابات پارلمانی، اختلاف صوری و سلیقه‌ی خود را کنار می‌گذارند با هم صاحب اهداف سیاسی - اداری یگانه‌ی می‌شوند. در صورتی که موفق به روی کار آوردن دولت جدیدی شوند، قدرت حکومتی را به نسبت آرای اعضای احزاب شان بین خود تقسیم میکنند.^(۱۴) مواردی هم از ائتلاف وجود دارد که بیشتر تحت عنوان بازی سیاسی از آن یاد میشود و آن ائتلاف احزاب یا گروههای سیاسی‌ی است که ایدئولوژیهای کاملاً مغایر و متفاوت باهم دارند و فقط هدف مشترک شان ساقط کردن یا روی کار آوردن دولت جدیدی است که آنها را با یک دیگر می‌پیوندد. در چنین حالتی احزاب

پس از ساقط کردن دولتی که نمیخواهند، یا دولت غیر مطلوب شان، برای روی کار آوردن دولت جدید، اغلب اوقات به توافق نمیرسند؛ زیرا به خاطر به دست گرفتن پستهای کلیدی دولت مورد قبول شان دچار مشکل میشوند. در تاریخ روابط احزاب سیاسی داخلی فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم کراراً به چنین ائتلاف نافرجامی بر میخوریم. به هر تقدیر همان طوری که اشاره شد، ائتلاف میان دستجات و گروه های سیاسی معمولاً برای دراز مدت انجام نمیگیرد و با از میان رفتن علل ائتلاف، احزاب یا گروهها استقلال آرای خود را اعلام میکنند.^(۹)

تفاوت ائتلاف با اتحاد، اجماع و وفاق سیاسی

بایستی میان ائتلاف و اتحاد تفاوت قایل شد به این صورت که غالباً ائتلاف در مقایسه با اتحاد موقتی تر و محدودتر و غیر رسمی تر است.^(۱۳) ماهیت همگرایی و پیوند موجود در مفهوم ائتلاف، با آنچه در مفاهیم مرتبطی نظیر اجماع و وفاق سیاسی وجود دارد، متفاوت است. پیوند و همگرایی موجود در مفهوم اجماع از نوع پیوند مستحکم و دایمی و البته برای دست یابی به اهداف بلند مدت و راهبردی در میان تعداد گسترده یی از نخبه گان سیاسی صورت میگیرد؛ در حالی که پیوند و همگرایی موجود در مفهوم ائتلاف، از نوع پیوند سست، کوتاه مدت و به منظور هدف محدود و میان تعداد کمتری از نخبه گان و گروه های سیاسی انجام میگیرد.^(۸) اجماع ممکن است به نحوی ناشی از فشارهای بیرونی و حتی ائتلاف یک سویه باشد. اجماع را نمی توان ائتلاف نامید؛ زیرا اجزای آن یک دیگر را به رسمیت نشناخته بودند و چاره یی جز تبعیت از رهبری نداشته اند؛ مثلاً نیروهای متفقین علیه هیتلر، به نوعی از ائتلاف رسیدند و حتی منافع و حقوق نسبی یک دیگر را در پایان جنگ به رسمیت شناختند، هر چند نیروهای ائتلاف با یک دیگر در ضدیت هم بودند یا ائتلاف اخیر در دولت انگلیس که میان محافظه کاران و حزب سوم (لیبرال دموکراتها) شکل گرفته بود، مصداق درستی از مفهوم ائتلاف است.^(۱۰)

اهداف ائتلافهای سیاسی

ائتلافهای سیاسی در راستای اهداف مختلفی شکل میگیرد. شکل گیری گروه بندیهای بی ساختار در قالب جناحهای سیاسی به جای شکل گیری احزاب منسجم، خود یکی از مهم ترین دلایل ائتلافهای کوتاه مدت یا دیر شکل گرفتن ائتلافها محسوب می شود؛ زیرا گروه بندیهای مختلف در چنین شرایطی اغلب فاقد هویت مشخصی اند؛ به همین دلیل زمینه برای ائتلاف مهیا نمیشود.^(۸)

مهمترین هدف تشکیل یک ائتلاف سیاسی رسیدن به منافع مشترک در ساختار قدرت سیاسی کشور است که با یکجا شدن تعدادی از گروه ها، اکثریت را در انتخابات یا پارلمان ایجاد میکنند و قدرت سیاسی را به دست میآورند.^(۶) گاهی نیز ائتلاف ممکن است با هدف شکست دادن دولت صورت گیرد. در سطح بین المللی ائتلافها برای آوردن فشار بر یک کشور، گروهی از کشورها یا یک سازمان مشخص برای تصویب معاهده، پذیرش عمل یا ایجاد تغییر در وضع موجود صورت میگیرد. در نظام دوحزبی امریکا ائتلاف به گروه بندیهای اطلاق میشود که خارج از خطوط حزبی بر سر بیانیه های خاص کنگره صورت میگیرد.

این اصطلاح غالباً در سه سطح به کار میرود: ۱- درباره احزاب سیاسی برای مقاصد پارلمانی و انتخاباتی؛ ۲- در مورد گروه بندیهای خارج از خطوط حزبی؛ ۳- در مورد دولتهای ملی به منظور اقدام به عمل مشترک.^(۳)

انواع ائتلاف سیاسی

ائتلافها دارای اشکال مختلفی همچون دو جانبه و چند جانبه، سری و علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده و کوتاه مدت یا درازمدت میباشند.^(۱۳) ممکن است یک گروه (حزب، دولت، گروه و...) بزرگ تر به منظور دستیابی به اکثریت با چند گروه کوچک تر ائتلاف کند. همچنان ممکن است چند گروه کوچک با هم ائتلاف کنند تا گروهی بزرگ تر را از

کسب توان سیاسی بازدارند. همچنان کاربرد ائتلاف در دو سطح سیاست داخلی و بین المللی رایج است. ائتلافهای سیاسی اصولاً بین گروه های همراستا و هم سود در تحولات سیاسی مثل انتخابات، انقلابها، همه پرسیها یا دیگر رویدادهای سیاسی صورت میگیرد که از حیث زمانی سابقه آن به شکل ابتدایی آن به حکومتهای سیاسی در دولتهای سابق یونان و روم بر میگردد و شکل امروزی آن را میتوان بعد از ایجاد اولین نظامهای دموکراتیک بر مبنی پروسه های دموکراتیک انتخابات دانست.

محاسن و معایب ائتلافهای سیاسی در انتخابات

الف- محاسن ائتلافهای سیاسی در انتخابات: محاسن ائتلافهای سیاسی در انتخابات خصوصاً در کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه زیادتر ملموس است که به شرح زیر بیان میگردد:

کسانی که کاندیدای انتخابات میشوند می توانند با قرار دادن خود در هر ائتلاف (ائتلافهایی در انتخابات ریاست جمهوری و یا در شورای شهر و روستا) خود را به آن افرادی که طرفدار احزاب یا گروه ها هستند، بهتر بشناسانند.

طرفدار های خود را بیشتر کنند.

دوستی بین کاندیدا ها بیشتر و رقابتها سالم تر میشود.

اگر نظرات و سلیقه ها بین کاندیدا ها نزدیک باشد با ائتلاف بین خود اصلح تر را انتخاب میکنند و یک یا چند تای آنها به نفع اصلح کنار میکشند، انتخاب را برای مردم آسان تر میکند و میتوانند با هر ائتلاف تبلیغات خود را بهتر و در سطح گسترده تری انجام دهند.^(۱)

ب- معایب ائتلافهای سیاسی در انتخابات: ائتلافها با وجود داشتن محاسنی که در بالا گفته شد بالقوه معایبی نیز ممکن است داشته باشند که منجر به شک در نزد بسیاری از احزاب ملی و مردمی برای شکل دادن آن در انتخابات میشود:

- ائتلافها اگر از مسیر انتخابات خارج شوند ممکن است تبدیل به گروه های انحرافی شوند.
- اگر در یک ائتلاف اختلاف جدی ایجاد شود ممکن است وجه کاندیدا ها به کلی خراب شود.
- اگر کاندیدا تورها نتوانند فرد اصلح تر را بین خود انتخاب کنند (بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری)
- آراء آنها پخش شده و ممکن است پیروز انتخابات نشوند.
- اگر پیروز شوند و افراد ائتلاف به اهداف بین خود پایبند نباشند باعث میشود که گروه ها و احزاب ائتلافی به آرمانهای خود نرسند.
- اختلاف در ائتلاف باعث دلسردی طرفدارها و در صورت پیروز شدن، دلسردی مردم میشود. (۱۱)

مؤلفه های ائتلاف سیاسی

ائتلافهای سیاسی دارای ویژه گیهای خاص و منحصر به فرد خود اند و نمیتوان هرجمع و گروهی را که در یک کشور تشکیل میشود به نام یک ائتلاف سیاسی نامید. از مؤلفه های یک ائتلاف سیاسی میتوان به داشتن سه ویژه گی بارز اشاره کرد:

- ۱- **داشتن اهداف معین مشترک:** مهمترین عاملی که چند گروه سیاسی را گردهم میآورد و آنها را ترغیب به پذیرش دیگران یا دادن امتیاز یا کار گروهی میکند، اهداف مشترک است که بین آنها وجود دارد. اهداف مشترک مشخصاً باید سیاسی باشد و اهداف در قالب منافع مشترک گروهی همسود سازماندهی گردد؛ بر همین اساس یک ائتلاف در راستای منافع مشترک برای رسیدن به اهداف معین بنیانگذاری میشود و در صورتی که گروهی اهداف و منافع مشترک باهم نداشته باشند نمیتوانند در قالب یک ائتلاف گردهم آیند. این نکته نیز قابل

یادآوری است که افراد به صورت انفرادی نمیتوانند برای رسیدن به اهداف شخصی با هم یک ائتلاف سیاسی را ایجاد کنند؛ بلکه این مجتمع باید بین گروه ها و احزاب سیاسی باشد و هر گروه صرف برای رسیدن به هدف مشخص و مشترک سیاسی همه اعضای گروه باید با دیگران همراستا گردند نه شکل انفرادی یا منافع شخصی یا منافع رهبر گروه.

مؤلفه دوم وجود اعتماد و برنامه های مشخص بین اعضای ائتلاف سیاسی

است: برای پیشبرد فعالیتهایی که بین اعضای ائتلاف سیاسی باهم یکجا شده اند وجود اعتماد و کار مشترک الزامی و حیاتی است. یک ائتلاف سیاسی بر مبنای اعتماد شکل میگیرد در صورت عدم وجود اعتماد بین گروههای ائتلاف هرگز فعالیتهای آن پیش برده نمیشود و سریع میپاشد. در صورتی که اعضای ائتلاف سیاسی باهم تقسیم کار نکنند؛ مثلاً هر کدام خواستار ریاست باشند یا هر کدام به دلخواه یک کاری را انجام دهد و بین آنها هماهنگی یا تقسیم کار صورت نگیرد دستیابی آنها به اهداف مشترک دشوار و شاید غیرممکن میگردد.

مؤلفه سوم وجود سیستم ارگانیک و تشکیلات منظم است: سیستم ارگانیک و

تشکیلات منظم باعث پیشبرد سریع، مشخص و بهتر امور میگردد. یک ائتلاف قبل از رسمیت یافتن و اعلان موجودیتش، باید بین خود به یک دیدگاه مشترک مبنی بر سیستم کاری با مکانیزم مشخص و تشکیلات سازماندهی شده، برسد نه این که ابتدا به اعلام تشکیل ائتلاف بپردازد و بعداً در پی ایجاد سیستم یا تشکیلات گردد. گروه هایی که ائتلافهایی از نوع دوم؛ یعنی، ابتدا اعلان موجودیت ائتلاف را میکنند و بعداً به ساختن تشکیلات و سیستم آن میپردازند، دوام ندارند و بعضی از اعضای آن یا از ائتلاف جدا میشود یا به سمت جدا و شکست سوق می یابند.

وضعیت ائتلافهای سیاسی در افغانستان

در تاریخ سیاسی و اجتماعی افغانستان مورد و نمونه‌ی مشاهده نمیشود که احزاب و گروه‌های سیاسی با هم به خاطر کسب قدرت سیاسی، رسیدن به یک جریان سیاسی و راهبردی طولانی مدت و اهداف طویل، ائتلاف تشکیل داده باشند و ائتلاف سیاسی زمانی شکل میگیرد که احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد به وجود آمده باشد.

نقدی بر ائتلافهای سیاسی در افغانستان: با توجه به تعریف ائتلاف سیاسی، تفاوت آن با دیگر حالات یکجاکرایی سیاسی و مؤلفه‌های آن به نقد گردهم آراییه‌های سیاسی که خود را ائتلافهای سیاسی مینامند میپردازیم:

ائتلاف به طور معمول نوعی اتحاد میان گروه‌ها یا کشورهاست و نه میان چند فرد حقیقی. ائتلاف در افغانستان بیشتر جنبه ائتلاف میان افراد است تا گروه‌ها. ائتلاف میان افراد معنای روشنی ندارد. در ائتلاف هر گروه باید سهم و قدرت و وزن خودش و سایرین را معلوم کند، و بعد در ائتلاف شرکت کند. ائتلاف مثل شرکتهای سهامی است که هرکس به اندازه سهامش حق رأی دارد؛ در حالی که اتحاد افراد با هم براساس حق رأی مساوی مثل شرکتهای تعاونی است، که رأی افراد تابع سهم آنان در تعاون نیست، این حالت از اتحاد، نوعی همیاری است؛ در حالی که معنای واقعی ائتلاف، نوعی مشارکت براساس قدرت است؛ به همین دلیل باید سهام و ارزش سهم هر یک از طرفهای قدرت از پیش معلوم باشد.

ائتلاف میتواند ایجابی یا سلبی یا ترکیبی باشد. ائتلافهای سلبی میان دو یا چند گروه علیه خطر یا هزینه مشترک است؛ ولی ائتلافهای ایجابی، برای اشتراک در کسب منفعت است و نه ترس از تحمیل هزینه. در افغانستان شکل‌گیری ائتلافهای سلبی به دلیل الزامات بیرونی، راحت‌تر صورت میگیرد؛ زیرا فشارها و هزینه‌های بیرونی موجب نزدیکی غیر ارادی نیروها با یک دیگر میشود.

ائتلاف مستلزم معین بودن سهم هر گروه، در نتیجه سهم سود هر گروه میباشد؛ به همین دلیل، ائتلاف پس از مرحله اول انتخابات یا پایان انتخابات انجام میشود و نه پیش از آن؛ در حالی که در افغانستان سخن از ائتلاف بیشتر پیش از انتخابات است.

نظام غیر حزبی و نیز فقدان شفافیت در سهم واقعی هر گروه، شکل‌گیری ائتلاف را پیش یا حتی پس از انتخابات به کلی فاقد معنای روشن کرده است. این وضعیت برای اپوزیسیون و تیم حاکم فعلی در افغانستان وجود دارد. هر کدام گمان میکنند که وزن زیادی دارند، و باید متناسب با این وزن در ائتلاف سهم شوند؛ در حالی که نیروهای رقیب معتقد به چنین وزنی نیستند، و نه تنها آنها را بسیار کمتر از آنچه که مدعی اند ارزیابی میکنند و خود را بیشتر از واقعیت ارزیابی مینمایند.

مهم‌ترین مشکل نیروهای اپوزیسیون برای رسیدن به ائتلاف، فقدان استقلال نسبی آنان از ساخت قدرت است. هر نیرویی که میخواهد ائتلاف کند، نیازمند حداقل استقلال در تصمیم‌گیری برای تفاهم و توافق در موضع ائتلاف دارد؛ ولی نیروهای اپوزیسیون فاقد این استقلال هستند و ساختار قدرت به شدت بر تصمیم آنها تأثیرگذار است، و قادر به اتخاذ تصمیم مستقل از این ساختار قدرت برای تأمین ترجیحات و مصالح حزبی خود نیستند؛ به همین دلیل قادر به شرکت مؤثر در فرآیندهای ائتلافی نمیشوند.

فرهنگ ایدیولوژی‌زده سیاست در افغانستان نیز به نحوی مانع از ائتلاف سیاسی به معنای دقیق کلمه میشود. نفی سهم‌خواهی و دروغ‌پردازی درباره این که قصد خدمت با هدف نزدیکی به خدا و انجام وظیفه است، نوعی ریاکاری مفرط را در رفتار سیاسی ایجاد کرده اند که گویا ائتلاف و سهم‌خواهی مثبت، کار مذموم و ناپسند است؛ به همین دلیل گروه‌های سیاسی افغان به ویژه ایدیولوژی‌زده‌های آنها سعی میکنند، تصویری فراسیاسی و اخلاقی از خود نشان دهند، تصویری که در واقعیت وجود خارجی ندارد؛ به همین دلیل بحث اصلاح را

در امر سیاست مطرح میکنند که به کلی عاری از حقیقت است و هنگامی هم که نامزد اصلح آنان رد صلاحیت میشود نمیدانند چگونه آن را توجیه کنند .

مشکل دیگری که در اکثر گروه‌های افغان وجود دارد، کوچک و کم عمق بودن گروه‌های سیاسی است. وقتی رأی مجموع چند گروه روی هم به پنج درصد هم نرسد، چگونه میتواند برای این قدرت اندک، ائتلاف کند. مشکل وقتی بیشتر میشود که برخی از این گروه‌ها فقط در حد اعضای شورای مرکزی خود عضو دارند، و بدتر آن که برخی از این اعضا همزمان در چند حزب و گروه حضور دارند. ویژه گیهای فوق موجب میشود که در برابر تحولات عمیق سیاسی قدرت پایداری و ایستاده گی و برنامه ریزی نداشته باشند و تا وقتی چنین قدرتی نباشد، ائتلاف با دیگران برای تحقق هدف مشترک نیز بی معناست.

ائتلافها در افغانستان، فرصتی برای ترقی و فربهی سیاستمدارانی است که بنا به هر دلیلی از حلقه قدرت دور افتاده اند- البته این به معنای نفی مشروعیت این هدف نیست- تردیدی نیست که یکی از فلسفه های حزب سازی، در هر کشور و نظام سیاسی، رسیدن به قدرت است؛ اما رسیدن به قدرت، تنها یک هدف صرف نیست؛ بلکه هدفی است در راستای اهدافی بزرگتر؛ به تعبیر بهتر، وسیله یی است در خدمت اهداف بزرگتر. اهدافی که اگر محقق شود میتواند سرنوشت ملتی را دستخوش تغییر و دگرگونی نماید؛ اما ائتلاف سازی در افغانستان، تنها یک هدف دارد و آن، فربه کردن رهبر ائتلاف یا حزب سیاسی مورد نظر است.

شخص محوری از آفتهای ائتلاف سازی در افغانستان است. تمام اهداف و آرمانهای حزبی و سیاسی احزاب و ائتلافها، تنها از اراده یک مهره محوری و تأثیرگذار ناشی میشود، او هم رهبر حزب یا ائتلاف سیاسی است.

مردم، گم‌شده اصلی ائتلافهای سیاسی و حلقه مفقوده سیاستهای حزبی و جریانهای سیاسی در افغانستان است؛ اما این بدان معنا نیست که اساساً این ائتلافها به عنصری به نام مردم بی توجه اند و هرگز نسبت به آنها عنایتی ندارند؛ اما آنچه عنصر مردم را در نگاه این احزاب و ائتلافها با دیگر احزاب و ائتلافهای سیاسی در دیگر کشورهای جهان، در مقام متفاوت قرار میدهد، نگاهی است که به این عنصر از سوی رهبران و سازمان دهنده گان احزاب و ائتلافهای افغانی صورت میگیرد. این نگاه یک نگاه ابزار انگارانه است. مردم از نظر رهبران سیاسی در افغانستان؛ یعنی، وسیله‌ای که میتواند در مقاطع زمانی به کار اهداف شخصی و منافع سیاسی رهبران یادشده بیاید؛ پس از آن، به فراموشی سپرده شود. بسیاری از احزاب و ائتلافهایی که به نحوی در گذشته وجود داشته است؛ پس از تحولات (۱۱) اخیر بار دیگر تجدید سازمان داده اند، با تکیه بر محبوبیت رهبران فقید خود، دست به بازاریابی سیاسی برای رهبر یا فردی در رأس خود میزنند؛ اما در این میان، دسته‌ی دیگری از این احزاب و ائتلافها که تازه پا به عرصه وجود نهاده اند و یا این که رهبران آنها تمایلی به هزینه کردن از محبوبیت رهبران سیاسی در گذشته ندارند؛ به این ترتیب، رهبران آنها به مدارجی از مقبولیت اجتماعی دست پیدا میکنند؛ اما نهایتاً با رسیدن رهبر یادشده به مطامع شخصی خود، این غیریت سازیه‌ها نیز رنگ میبازد و آنچه در این میان، ثابت میماند این است که هیچ ائتلاف یا حزب سیاسی در افغانستان از سوی مردم و برای مردم تشکیل نمیشود و تنها به نام مردم ساخته میشود. (۷)

ائتلافهای سیاسی را که اخیراً در افغانستان تشکیل شده است نمیتوان به حیث یک ائتلاف سیاسی نامید؛ زیرا بیشتر جنبه معامله‌گری سیاسی دارد. در گام اول، یک ائتلاف حقیقی باید بر مبنای منافع مشترک گروهی شکل گیرد؛ اما در گروه‌گراییهای صورت گرفته در افغانستان چیزی به نام منافع گروهی مشترک دیده نمیشود و این گردهم‌آییها بیشتر در راستای تأمین

منافع انفرادی رهبران یا شخصیت‌های سیاسی صورت می‌گیرد که از نظر ایدئولوژی هم باهم یکی نیستند و تضادهای تاریخی و سیاسی بین آنها وجود دارد. ائتلاف سیاسی باید بر مبنای یک ایدئولوژی یا ایدئولوژیهای نزدیک به هم صورت گیرد و ائتلاف باید روی یک سلسله اهداف استراتژیک آینده محور ایجاد شود؛ اما در گردهم گراییهای اخیر منافع استراتژیک آینده محوری وجود ندارد و هر کدام صرفاً به صورت موقت برای تصاحب کرسیهای قدرت حکومتی باهم یکجا شده اند. ائتلاف سیاسی اصولاً بین افرادی صورت می‌گیرد که گرایشهای فکری نزدیک به هم داشته باشند؛ مثلاً گروه های لیبرال یا گروه های چپ یا راست یا حداقل گروه هایی که گرایشهای فکری نزدیک به هم دارند؛ اما در این ارتباط نیز شاهد یکجا شدن شخصیت‌هایی هستیم که گرایشهای کاملاً متضاد دارند و افرادی با تفکرات چپ، لیبرال، اسلامی، تکنوکرات، محافظه کار و امثالهم گرد یک ائتلاف آمده اند و این موضوع باعث شده که از نظر علمی نتوان به آن ائتلاف اطلاق کرد.

نتیجه گیری

ائتلاف در افغانستان هنوز نتوانسته مفهوم و جایگاه خود را پیدا نماید. این به حلقه ها و چهره های سیاسی بر میگردد که در معاملات و کنار آمدنهای سیاسی منافع ملی را در نظر داشته باشند و با کنار آمدنهای موقت ذهن، روان و غرور مردم را به گرو نگیرند. شکل گیری گروه بندیهای بی ساختار و غیر ساختمان در قالب جناحهای سیاسی به جای شکل گیری احزاب منسجم، خود یکی از مهم ترین دلایل ائتلافهای کوتاه مدت یا دیر شکل گرفتن ائتلافها محسوب میشود؛ زیرا گروه بندیهای مختلف در چنین شرایطی اغلب فاقد یک هویت مشخص هستند؛ به همین دلیل زمینه برای ائتلاف مهیا نمیشود. ائتلافهای سیاسی در دهه های اخیر در

افغانستان بر بنیاد یک دیدگاه واحد ایجاد نمیشوند، روی یک استراتژی به وجود نشده اند و صرف به منافع یک گروه بسته گی دارند. دانشمندان عرصه سیاست تعریفهای متنوع و ویژه - گیهای مشخصی برای ائتلاف سیاسی بیان داشته اند؛ اما هیچ یکی از ائتلافهای دهه اخیر قواعد و ویژه گیهای علمی را که دانشمندان طرح نموده اند با خود نداشته اند. مشکل عدم خطاب واژه ائتلاف برای اتحادهای سیاسی در افغانستان از دلایل متعددی منشاء میگیرد؛ به عنوان مثال مقطعی بودن این اتحادها که گروه ها و احزاب سیاسی روی مسایل حزبی و گروهی خود فکر میکنند، زمانی که ائتلاف صورت میگیرد طرفین با هم وعده های متعدد میدهند و بعد از به قدرت رسیدن به آن وعده ها وفا نمیکند. همچنان میتوان به عدم تطابق خواستهای طرفین، نبود برنامه و استراتژی مشخص در راستای برنامه ها و اهداف طویل مدت اشاره کرد. تجربه نشان داده است که همیشه در کشور ما به منافع عمومی توجه نگردیده و منافع مردم قربانی منافع شخصی و گروهی شده است؛ به همین منظور ائتلافهایی که به وجود میآیند مقطعی میباشند و نتیجه مثبتی در قبال ندارند.

ائتلافها در افغانستان بیشتر جنبه سلیقه یی، گروهی و حتی شخصی دارد؛ درحالی که شرکت در انتخابات، نامزد شدن و یا رأی گرفتن یک مسؤولیت ملی است که نباید آن را در معامله گذاشت، بهتر است که ائتلافها روی برنامه ها صورت گیرد نه چهره ها. همچنان رأی دهنده گان نه به برنامه توجه دارند و نه به افراد. نسبت به سرنوشت کشور حساس باشند، ائتلاف را یک فرهنگ سیاسی سازند و آن را وسیله برای نزدیکی و همگرایی ملی بدانند نه یک اندیشه سلیقه یی و کوتاه سازی راه برای رسیدن به اهداف شخصی.

منابع

۱. بشریه، حسین. (۱۳۸۵). **آموزش دانش سیاسی**. تهران. چاپ ششم. نشر نگاه معاصر، ص ۳۶۷.
۲. پاچا، سید عبدالله. (۱۳۸۴). **د سیاسی اصطلاحاتو قاموس**. پیشاور. انتشارات دانش، ص ۴۱.
۳. پرهام، باقر و دیگران. (۱۳۸۵). **فرهنگ علوم اجتماعی**. تهران. نشر مازیار، صص ۲۰، ۱۹.
۴. قزل ایاق، ایمان حسین. (۱۳۹۱). **ائتلاف های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**. تهران. مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی، صص ۱۱۱، ۱۲۷.
۵. گریفیتس، مارتین و تری او کلاگان. (۱۳۸۸). **مفاهیم کلیدی روابط بین الملل**. ترجمه محمد امجد. تهران. نشر بنیاد حقوقی میزان، ص ۱۱.
۶. نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۸). **درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی**. تهران. چاپ هفتم. انتشارات سمت، ص ۱۷۲.
۷. احسانی، سید میثم. **ائتلاف سازی یا بازاریابی سیاسی**
<http://www.roushd.com/printable.php?id=13127>
۸. ایران دموکراسی، **وحدت اسلامی یا وحدت سیاسی**
<http://www.irdc.ir/fa/content/27626/default.aspx>
۹. حدیث، علی. **اتحاد یا ائتلاف**
<http://hadis80.parsiblog.com/Posts/430>
۱۰. روزنامه شرق. (۱۳۹۲). **امتناع ائتلاف سیاسی**.
http://www.ayande.ir/1392/03/post_1370-printable.html
۱۱. ساجدی، احمد. **ائتلاف برای انتخاب**
<http://andishebidari.blogfa.com/post/38>.
۱۲. ستیز، ملک، **ائتلاف های سیاسی (رویکردی برای رسیدن به قدرت سیاسی)**.
http://kabulnath.de/Sal-e-Nohum/Shoumare_201/Maleksetez.html
۱۳. صباغیان، علی. **ائتلاف چیست**.
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8805200971#sthash.yeQFCrjK.dpuf>.